



The Role of the Wagner Military and Security Company in the Syrian Crisis

Morteza Nourmohammadi¹ | Zahra Sadeghi²

Abstract

Simultaneously with the Islamic awakening in some countries of West Asia and North Africa, in 2011, Syria faced an internal crisis that spread rapidly and challenged the regional and international system. Countries such as the United States, Russia, Iran, Turkey, etc. each played a role in this crisis in line with their interests and goals. Along with the presence of government actors, what was at the forefront of attention and reports by researchers and the media was the presence of Russian military and security companies in Syria. Despite their importance in the crisis, the role of these actors seems ambiguous. The present study aims to examine the role of this military and security company in the Syrian crisis by studying the presence of the Wagner Company in the Syrian crisis. In this regard, this article seeks to answer the question: what role did the Wagner Military and Security Company play in the Syrian crisis? This article examines the research hypothesis using a descriptive-analytical method and library and internet documents. The results show that the Wagner military and security company, by providing offensive services during the expansion phase of the Syrian crisis, in addition to facilitating Russia's military presence in Syria, increased the violence of the crisis, increased heterogeneity, increased militarization in the crisis, and also increased the number of active actors in the crisis, which all of these factors indicate the intensification and complexity of the Syrian crisis.

Keywords: Crisis; private military and security companies; Wagner; Syria; Russia.

1. Associate Professor of International Relations, Law and Political Science, Allameh Tabatabaiei, Tehran, Iran
politic110@gmail.com
2. PhD in International Relations, Law and Political Science, Allameh Tabatabaiei, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.20086121.1404.24.107.3.3

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





نقش شرکت نظامی و امنیتی واگنر در بحران سوریه

مرتضی نور محمدی^۱ زهرا صادقی خورجستان^۲

۱۰۶

سال بیست و چهارم

بهار ۱۴۰۴

صص: ۷۱-۱۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷

الکترونیکی: ۳۶۴۵-۵۲۵۰



چکیده

مقارن با آغاز بیداری اسلامی در برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، در سال ۲۰۱۱ کشور سوریه با بحرانی داخلی مواجه شد که به سرعت گسترش یافته و نظام منطقه‌ای و بین‌المللی را به چالش کشید. شرایط مهم جغرافیایی و راهبردی سوریه و گسترش سریع بحران، زمینه مداخله بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در این بحران موجب شد. کشورهایی همچون آمریکا، روسیه، ایران، ترکیه و... هرکدام در راستای منافع و اهداف خود به ایفای نقش در این بحران پرداختند؛ اما در کنار حضور کنشگران دولتی، آنچه در صدر توجه و گزارش‌های محققان و رسانه‌ها قرار گرفت، حضور و فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی در بحران سوریه بود که علی‌رغم اهمیت آن‌ها در بحران، نقش این کنشگران مبهم به نظر می‌رسد. با توجه به این توضیح، پژوهش حاضر قصد دارد با مطالعه حضور شرکت واگنر در بحران سوریه به واکاوی نقش این شرکت در بحران سوریه بپردازد. در همین راستا این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش است که شرکت نظامی و امنیتی واگنر چه نقشی در بحران سوریه داشته است؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شرکت نظامی و امنیتی واگنر با ارائه خدمات تهاجمی در مرحله گسترش بحران سوریه (در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۸)، علاوه بر تسهیل حضور نظامی روسیه در سوریه، موجب افزایش خشونت بحران، افزایش عدم تعانس، افزایش نظامی‌گری در بحران و همچنین افزایش تعداد کنشگران فعال در بحران شد که مجموع این عوامل نشانگر تشدید و پیچیده‌تر شدن بحران سوریه است.

کلیدواژه‌ها: بحران، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، واگنر، سوریه، روسیه



مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل منطقه غرب آسیا، بحرانی است که در سال ۲۰۱۱ در کشور سوریه به وقوع پیوست. بحران سوریه که با آغاز بیداری اسلامی در برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا مقارن بود، به دلایل مختلف ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و به علت عدم توانایی پاسخ منسجم و همه‌جانبه و مداخله گسترده قدرت‌های بزرگ در آن، به بحرانی داخلی محدود نمانده، به سرعت سرریز کرده، نظام منطقه‌ای و جهانی را هم‌زمان به چالش کشیده و تبدیل به بحرانی بین‌المللی شد. شرایط جغرافیایی و راهبردی برجسته، میزان بالای خشونت بحران و خسارات آن، وسعت زمان و حضور مستقیم و غیرمستقیم تعداد زیادی از کنشگران نظام بین‌الملل به‌ویژه حضور قدرت‌های بزرگ در صحنه نبردهای عملیاتی موجب اهمیت چشمگیر این بحران شد.

روند بحران سوریه تا سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که در طول جنگ، سوریه به صحنه مجموعه پیچیده‌ای از درگیری‌های متقاطع تبدیل شد که شامل بسیاری از کنشگران داخلی و بین‌المللی منافع و اهداف خود را دنبال می‌کردند. از یک سو روسیه و هم‌پیمانانش از لحظه آغاز شورش‌های داخلی علیه دولت بشار اسد، به‌طور تزلزل‌ناپذیری با استفاده از روش‌های مختلف به حمایت از دولت بشار اسد پرداخت و از سوی دیگر، پس از حضور روسیه در بحران سوریه، در اکتبر ۲۰۱۵ ایالات متحده آمریکا نیز اعلام کرد که نیروهای عملیات ویژه را در شمال سوریه برای کمک به نیروهای مبارزه با داعش مستقر خواهد کرد. در مجموع، این منازعه به منازعه بین‌المللی تبدیل شد و ادامه بحران طوری پیش رفت که از اواخر سال ۲۰۱۵، مداخلات نظامی کنشگران خارجی در حمایت از اسد موجب بازگشت دولت سوریه شد و نیروهای حامی بشار اسد موفق شدند، به تدریج بیشتر مناطق را پس گرفته و کنترل خود را تحکیم کنند. موجودیت نظامی داعش نیز از بین رفت و دولت سوریه توانست مساحت زیادی از کشور را تحت کنترل خود گیرد. از همین رو، در پایان سال ۲۰۱۸، درگیری به نفع بشار اسد تغییر یافت؛ اما بقیه سرزمین این کشور تحت کنترل کردهای سوریه و یا در اشغال سایر گروه‌های تروریستی مورد حمایت آمریکا باقی ماند. سوریه پس از سال ۲۰۱۸ و در امتداد بحران، تحولات و اتفاقات گسترده‌ای را تجربه کرد که با توجه به محدوده زمانی مورد مطالعه، خارج از حوزه بررسی این پژوهش است.

یکی دیگر از موضوعاتی که در کنار مسائلی همچون حضور قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در شرایط پیچیده و بحرانی سوریه، به‌طور ویژه مورد توجه پژوهشگران عرصه روابط بین‌الملل قرار گرفت؛ حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، به‌عنوان کنشگرانی غیردولتی در کنار کنشگران دولتی در صحنه بحران بود. پیش از بحران سوریه، عملکرد شرکت‌های نظامی و امنیتی در بحران‌های مختلف به‌ویژه عراق و افغانستان، مباحث چالش‌برانگیزی را موجب شده بود؛ اما شروع و گسترش بحران سوریه و تبدیل این بحران به بازار جدید عرضه و تقاضای خدمات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، توجه محققان حوزه امنیت و روابط بین‌الملل را به‌سوی شرکت‌های فعال در این کشور جلب کرد که غالباً، شرکت‌های تحت کنترل روسیه بودند.^۱ شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی در کنار نیروهای دولتی وارد بحران سوریه و میدان مبارزه شده و به مشتریان خود خدمات نظامی مختلفی را ارائه کردند که در این میان، مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شرکت‌ها، گروه واگنر^۲ بود.

مداخله شرکت واگنر به‌عنوان کنشگری مهم و تأثیرگذار، اما نوظهور و ناشناخته در بحران سوریه موجب افزایش انگیزه برای مطالعه و بررسی نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها در بحران سوریه با رویکردی کاملاً علمی و واقع‌بینانه شده است؛ بنابراین، هدف اصلی این پژوهش واکاوی نقش شرکت نظامی و امنیتی روسی واگنر در بحران سوریه است که موضوعی مبهم و ناشناخته در این بحران است. پرسش مطرح در پژوهش این است که شرکت نظامی و امنیتی واگنر چه نقشی در بحران سوریه داشته است؟

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

بررسی مکاتب نظری و نظریات صاحب‌نظران در حوزه بحران، نشان می‌دهد که نظریه بحران و مدل جامع بحران برچر، از جامعیت بالایی برای تحلیل بحران‌های بین‌المللی برخوردار است. این مدل به‌طور کلی توضیح جامعی از بحران‌ها از مرحله آغاز تا پایان و نحوه برخورد کنشگران را در

۱. طبق بررسی‌های نگارندگان پژوهش، در بحران سوریه، ردپایی از شرکت‌های نظامی و امنیتی غربی به‌چشم نمی‌خورد و یا در صورت حضور این شرکت‌ها، فعالیت آن‌ها به‌صورت کاملاً محرمانه بوده است و اطلاعات و آمار دقیقی از حضور آن‌ها در سوریه وجود ندارد.

2. Wagner Group

هر مرحله با توجهی عمیق به بحران ارائه می‌دهد (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۵). درواقع، تئوری بحران برچر بر مبنای مفهوم چهار حوزه و مرحله پیدایش^۱، گسترش^۲، کاهش^۳ و تأثیر^۴ بحران است. این چهار مرحله در یکدیگر ادغام می‌شوند و توالی آن‌ها چرخه‌ای را نشان می‌دهد که از ویژگی‌های بیشتر بحران‌ها است.



شکل ۱. چرخه بحران

یکی از نقاط قوت نظریه برچر، واکاوی و برشمردن شاخص‌های شدت بحران است که در مرحله تأثیر بحران به آن اشاره می‌شود. وی ۶ مؤلفه را برای علل تشدید بحران‌های بین‌المللی ذکر می‌کند: اولین شاخص، *تعداد بازیگران بحران* است. هرچه تعداد بازیگران بیشتر باشد، اختلافات بیشتر خواهد بود و احتمال حضور و درگیری ابرقدرت یا قدرت بزرگ را در بحران بیشتر می‌کند. شاخص دوم، *برجستگی ژئواستراتژیک* بر اساس منابع طبیعی یا دوری و نزدیکی به مراکز قدرت است. هرچه برجستگی ژئواستراتژیک بیشتر باشد احتمال تشدید بحران بین‌المللی بیشتر خواهد بود. سوم، *میزان عدم تعانس بین بازیگران بحران* است که بر اساس میزان و تعداد تفاوت‌ها و اختلافات در توانایی نظامی، رژیم سیاسی، توسعه اقتصادی و اختلافات فرهنگی اندازه‌گیری می‌شود. هرچه میزان عدم تعانس بین بازیگران بحران بیشتر باشد، بحران تشدید خواهد شد. شاخص چهارم، *میزان و نوع مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران بین‌المللی* است؛ هرچه میزان درگیری قدرت‌های بزرگ در یک بحران بین‌المللی بیشتر باشد، چالش بیشتری به ساختار سیستم وارد می‌شود و بحران بین‌المللی نیز تشدید می‌شود. پنجمین شاخص، *مسائل مورد مناقشه در بحران*

1. Onset
2. Escalation
3. De-escalation
4. Impact

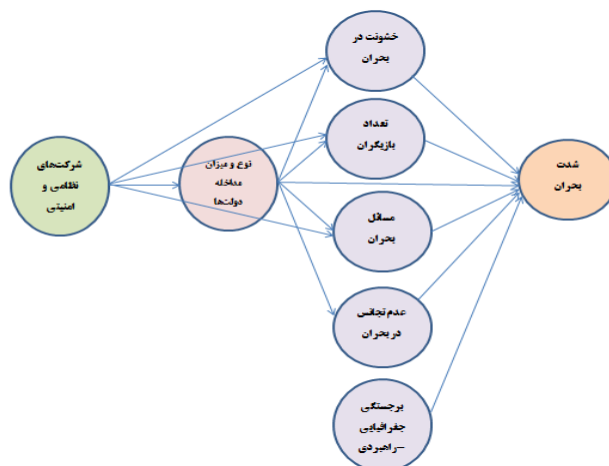
است. هرچه تعداد مسائل (نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی) در بحران بیشتر باشد، بحران شدیدتر خواهد بود و علاوه بر آن هر چه مسائل به دو حوزه موضوعی اول یعنی مسائل نظامی، امنیتی نزدیک‌تر باشد، احتمال تشدید بحران بیشتر است. درنهایت، شدت یک بحران با میزان خشونت در آن اندازه‌گیری می‌شود که دامنه آن از جنگ تمام‌عیار و درگیری‌های جدی تا جنگ کوتاه و درگیری‌های جزئی و بدون خشونت متغیر است (برچر، ۲۰۱۷: ۴۱).

با توجه به نگاه برچر از دریچه رئالیسم به مفهوم بحران، کنشگران غیردولتی جایی در نظریه وی ندارند. این در حالی است که امروزه کنشگران غیردولتی همچون شرکت‌های نظامی و امنیتی نقش مؤثری در بحران‌های بین‌المللی ایفا می‌کنند؛ بنابراین برای بررسی نقش این کنشگران نوظهور در بحران باید ارتباط آن با شاخص‌های یادشده مشخص گردد. در این راستا، باید دو نگاه متفاوت به شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی را از یکدیگر تفکیک کرد. نگاه اول، نگاهی لیبرالیستی است که از این منظر، دولت تنها بازیگر حوزه امنیت نبوده و شرکت‌های نظامی و امنیتی کنشگرانی بازارمحور، مستقل از دولت و تأثیرگذار هستند که صلاحیت و توانایی تصمیم‌گیری در زمینه استراتژی دفاعی- نظامی و تأثیرگذاری بر بحران را دارند (تیورزی، ۲۰۱۸: ۱۶-۱۵). در مقابل، دیدگاه رئالیستی وجود دارد که دولت را کنشگر اصلی نظام بین‌الملل عنوان می‌کند و شرکت‌های نظامی و امنیتی را کنشگرانی خرد در نظر می‌گیرد که ابزار کنشگران بزرگ‌تر یعنی دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ هستند؛ به‌طوری‌که توماس آدامز^۳ از معروف‌ترین محققان حوزه خصوصی‌سازی امنیت، شرکت‌های نظامی و امنیتی را «بال‌های مخفی دولت» می‌خواند (کریستینسن، ۲۰۱۰: ۱۹-۱۸). دیدگاه ابزاری به شرکت‌های نظامی و امنیتی را دیدگاه «بازیگران خرد»^۴، نیز عنوان می‌کنند که نام آن برگرفته از «جنگ‌های کوچک و شورش‌ها»^۵ توماس آدامز است. پیروان این دیدگاه، شرکت‌های نظامی و امنیتی را صرفاً به‌عنوان ابزاری برای استراتژی نظامی دولت می‌دانند و آن‌ها نسبت به این تصور که استفاده از این بازیگران به‌خودی‌خود بر

1. Brecher
2. Turzi
3. Thomas Adams
4. Christiansen
5. bit player
6. Small Wars & Insurgencies

بحران‌ها تأثیرگذار هستند، بسیار محتاط هستند (استرونک‌وتر، ۲۰۱۳: ۲۰). پژوهش حاضر نیز با نگاهی رئالیستی به شرکت‌های نظامی و امنیتی، ضمن اذعان بر نقش این شرکت‌ها در بحران‌ها و تأثیر بر شدت آن، بر این عقیده قائل است که شرکت‌های نظامی و امنیتی به‌خودی‌خود، قابلیت تأثیرگذاری بر شدت بحران را ندارند؛ بلکه این کنشگران به‌عنوان بازیگران خرد و ابزار کنشگران بزرگ‌تر (دولت‌ها) با تأثیرگذاری بر شاخص‌های شدت بحران (به‌جز برجستگی جغرافیایی و راهبردی که شاخصی ثابت است)، ایفای نقش می‌کنند. در میان شاخص‌های شدت که تحت تأثیر فعالیت این کنشگران نوظهور هستند، میزان و نوع مداخله قدرت‌های بزرگ، نسبت به سایر مؤلفه‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این که میزان و نوع مداخله دولت‌ها به‌عنوان تابعی از فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی بر شدت بحران تأثیر می‌گذارد، ارتباط علی این شاخص با دیگر شاخص‌ها نیز بر اهمیت آن افزوده است. برچر استدلال می‌کند که در صورت فعال بودن قدرت‌های بزرگ در یک بحران، مداخله آن‌ها احتمالاً دیگر کشورها را نیز به بحران خواهد کشاند. مداخله قدرت‌های بزرگ عدم تجانس را نیز به‌طور حتم افزایش می‌دهد. مشارکت قدرت‌های بزرگ در یک بحران احتمال تنوع کنشگران را افزایش می‌دهد. افزون بر این، با مداخله قدرت‌های بزرگ در یک بحران، مسائل و موضوعات بحران نیز گسترش می‌یابد و بالاخره با مداخله قدرت‌های بزرگ در یک بحران، انتظار می‌رود حداقل در یک سطح پایین، خشونت اتفاق بیفتد (برچر، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۳-۲۰).

مدل مفهومی زیر ارتباط شرکت‌های نظامی - امنیتی با شاخص‌های شدت بحران را نشان می‌دهد و بنیانی است که تحلیل پژوهش بر مبنای آن استوار شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

موضوع شرکت‌های نظامی - امنیتی طیف وسیعی از پژوهش‌های محققان را به خود اختصاص داده است. اغلب این پژوهش‌ها با مطالعه شرکت‌های نظامی و امنیتی غربی و با تأکید بر نقش آن‌ها در عراق و افغانستان صورت گرفته است. لیکن با جهانی‌شدن صنعت نظامی و امنیتی خصوصی و ظهور شرکت‌های غیر غربی در دهه اخیر، مرحله جدیدی از پژوهش‌ها آغاز شده است که در این میان شرکت‌های روسی توجه بیشتری از محققان را به خود جلب کرده‌اند. جدول زیر نمونه‌هایی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. نمونه پژوهش‌های انجام شده در حوزه شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی

محقق/سال	عنوان پژوهش	هدف و حوزه پژوهش
Halit Gülşen (2017)	نقش شرکت‌های نظامی خصوصی در مداخله روسیه در سوریه	بیان دلایل و مزایای استفاده روسیه از شرکت‌های خصوصی در سوریه
Kimberly Martin (2019)	استفاده روسیه از نیروهای امنیتی نیمه دولتی: مطالعه موردی گروه واگنر	بیان دلایل استفاده روسیه از واگنر در نیجریه، اوکراین، سوریه و آفریقای مرکزی
Justin Bristow (2019)	شرکت‌های نظامی خصوصی روسیه: مجموعه‌ای از ابزارهای در	بررسی تاریخچه استفاده روسیه از شرکت‌های نظامی خصوصی به عنوان تحولی در

استراتژی نظامی	حال تحول در استراتژی نظامی روسیه	
بررسی نقش شرکت واگنر در اوکراین و لیبی و سوریه به عنوان بازیگران اصلی در جنگ‌های نیابتی روسیه در خاورمیانه	رمزگشایی گروه واگنر: تحلیل نقش پیمانکاران امنیتی نظامی خصوصی در جنگ نیابتی روسیه	Candace Rondeaux (2019)
بررسی تاریخچه و ظهور شرکت‌های روسی و تأکید بر ارتباط شرکت‌های روسی با کرملین	ظهور شرکت‌های نظامی خصوصی روسیه: ابزار جدیدی برای جنگ مخفیانه	Bukkvoll, T. and Østensen, Å. G (2020)
بررسی استفاده دولت روسیه از شرکت واگنر به عنوان ابزار امنیتی و بیان چگونگی مواجهه آمریکا با استفاده روسیه از شرکت‌های نظامی و امنیتی	گروه واگنر: واکاوی اهداف یک ابزار قدرت روسی	Kimberly Martin (2020)
بیان مزایای شرکت‌های نظامی و امنیتی برای دولت روسیه در دو جنگ سوریه و اوکراین	ارتش‌های جنگی بدون یونیفرم: مزدوران و شرکت‌های نظامی خصوصی در مداخلات روسیه در سوریه و اوکراین	and Ali Çağla Mavruk (2023) Gök
بررسی عملکرد گروه واگنر به عنوان ابزار سیاست خارجی روسیه در قاره آفریقا (لیبی، جمهوری آفریقای مرکزی، سودان و مالی)	عملیات شبه‌نظامی روسیه در آفریقا: گروه واگنر به عنوان یک ابزار واقعی سیاست خارجی	Neethling, T (2023)

بررسی ادبیات موجود در حوزه این پژوهش بیانگر آن است که همانند جایگاه مبهم شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در امنیت بین‌الملل و به‌طور ویژه بحران‌های بین‌المللی، ادبیات این حوزه در زمینه شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی نیز در مرحله شکل‌گیری است. شاید بتوان گفت که یکی از عوامل مؤثر بر کمیت نامناسب ادبیات در این حوزه، ماهیت پنهان فعالیت‌ها و عملکرد این شرکت‌ها در امور بین‌المللی است. موضوعی که امکان دسترسی محققان به داده‌ها و اطلاعات مرتبط با دامنه، حوزه و شکل فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی را دشوار و در مواردی غیرممکن می‌سازد؛ بنابراین، جنبه نخست نوآوری این پژوهش، تدوین و گردآوری ادبیات موجود در حوزه نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی در بحران‌های بین‌المللی است. علاوه بر جنبه نخست نوآوری، این پژوهش از جنبه‌های دیگر نیز متمایز از سایر پژوهش‌های انجام‌شده است. بررسی ادبیات موجود که به نمونه‌هایی از آن در جدول بالا اشاره شد، حاکی از

آن است که اغلب تحقیقات انجام‌شده در خصوص شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی، به این شرکت‌ها صرفاً از منظر ابزار سیاست خارجی روسیه نگریسته و بر ارتباط آن‌ها با دولت روسیه متمرکز شده‌اند. لیکن این پژوهش با تمرکز بر فعالیت‌های شرکت واگنر در بحران سوریه، علاوه بر دسته‌بندی نوع خدمات آن تلاش کرده با تشریح دقیق خدمات این کنشگران، تأثیر عملکرد آن‌ها را بر شدت بحران، در چارچوب نظریه بحران برچر، مورد بررسی و مذاقه قرار دهد که این نیز جنبه دیگر نوآوری پژوهش حاضر است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت هدف کاربردی است روش آن توصیفی - تحلیلی، روش‌شناسی بر مبنای نوع داده‌ها، کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز، کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی است.

پرسش اصلی و فرضیه پژوهش

شرکت نظامی و امنیتی واگنر چه نقشی در بحران سوریه داشته است؟
شرکت نظامی و امنیتی واگنر با ارائه خدمات تهاجمی در مرحله گسترش بحران سوریه (در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۵)، علاوه بر تسهیل حضور نظامی روسیه در سوریه، موجب افزایش خشونت بحران، افزایش عدم تجانس، افزایش نظامی‌گری در بحران و همچنین افزایش تعداد کنشگران فعال در بحران شد که مجموع این عوامل نشانگر تشدید و پیچیده‌تر شدن بحران سوریه است.

یافته‌های پژوهش

تأسیس و گسترش روزافزون شرکت‌های روسی به زمان مابعد فروپاشی شوروی بازمی‌گردد که دلیل این امر را می‌توان در عواملی همچون کوچک‌سازی ارتش روسیه و آزادسازی نیروها و واحدهای نظامی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مسائل دیگری همچون بازگشت جنگجویان شکست‌خورده از جنگ به روسیه جستجو کرد (آستینسن^۱ و باکوول^۲، ۲۰۱۸: ۲۰-۳۰). علی‌رغم اینکه شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی نیز همچون هموعان امریکایی خود، ارتباط نزدیکی با کشور متبوع خود و دولت روسیه دارند؛ اما آن‌ها مانند همتایان غربی خود عمل

1. Østensen

2. Bukkvoll

نمی‌کنند و به دلیل این تفاوت، تأثیر و نقششان در درگیری‌ها نیز متفاوت است. جدول ذیل خلاصه‌ای از تفاوت شرکت‌های امریکایی با شرکت‌های روسی را نشان می‌دهد:

جدول ۲. مقایسه شرکت‌های امریکایی و روسی (هارپر^۱، ۲۰۲۳: ۲۵).

شرکت‌های نظامی و امنیتی امریکایی	شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی	
به‌طور غیرمستقیم به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف امنیت ملی ایالات متحده استفاده می‌شود.	مستقیماً به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف امنیت ملی روسیه استفاده می‌شود.	استفاده
باید قراردادی باشد و از نیروهای منظم جدا شود.	قراردادی است اما اغلب با نیروهای منظم و ویژه ترکیب می‌شود.	ارتباط با نیروهای دولتی
مدیرعامل	الیگارش روسی	مالک / حامی
تدافعی و امنیتی	تهاجمی و نظامی	جهت‌گیری استراتژیک
سازگار در زمینه عملیاتی (در زمان درگیری توسط دولت ایالات متحده کنترل می‌شوند و به قانون رفتار نظامی ایالات متحده پاسخگو هستند)	ناسازگار در زمینه عملیاتی (گاهی تحت کنترل دولت روسیه و برخی اوقات تحت کنترل منافع خصوصی)	فرماندهی و کنترل در درگیری‌ها
قابلیت‌های نسبتاً ثابت بدون توجه به نزدیکی به عملیات‌های دولت.	هر چه بیشتر با دولت روسیه هماهنگ باشد، توانایی‌های بیشتری دارد.	ساختار و ثبات عملیاتی
در ایالات متحده قانونی است و باید مجوز فعالیت دریافت کنند.	در روسیه غیرقانونی است.	قانونی بودن در کشور مبدأ

حضور و فعالیت شرکت‌های روسی در مناطق مختلف درگیر بحران حاکی از روی آوردن دولت روسیه به گسترش به‌کارگیری این کنشگران در دهه اخیر است. بحران سوریه نیز که رقابتی برای برتری ژئوپلیتیکی بین روسیه و امریکا در غرب آسیا و به‌ویژه در شرق مدیترانه به‌شمار می‌آید، فرصتی برای رسیدن به اهداف روسیه ایجاد کرد و روسیه استراتژی امنیتی خود را تغییر داده و مدل جنگ هیبریدی را با استفاده از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی اجرا کرد (ماوروک^۲ و گوک^۳، ۲۰۲۳: ۲۹۸). در میان شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی فعال در بحران

1. Harper
2. Mavruk
3. Gök

سوریه، شرکت‌هایی همچون گروه آر.اس.بی^۱، سپاه اینوت^۲، واحد ویژه ردات^۳، توران^۴، گروه امنیتی آنتی ترور^۵، گروه امنیتی موران^۶ و سپاه اسلاونیک^۷ دیده می‌شود که موسیان و روسای آنها از نظامیان بازنشسته روسی بوده است (ولکنبورگ^۸، ۲۰۱۸: ۹-۱۰)؛ اما در این میان، مهم‌ترین و معروف‌ترین شرکت، گروه واگنر بود. با توجه به اینکه نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی فعال در بحران‌ها تحت تأثیر عوامل مهمی همچون ساختار و تجهیزات، زمان حضور در بحران و اشکال نقش‌آفرینی آنها قرار دارد، در ادامه مبحث، بر همین اساس، شرکت واگنر در بحران سوریه تشریح می‌شود.

ساختار و تجهیزات شرکت واگنر

واگنر مشهورترین شرکت نظامی و امنیتی روسی در بحران‌های بین‌المللی است. این شرکت در روسیه مستقر است؛ اما همچون سایر شرکت‌های روسی، برای فرار از قوانین مزدوری روسیه، در آرژانتین به ثبت رسیده است (ولکنبورگ^۸، ۲۰۱۸: ۸). واگنر توسط دیمتری اوتکین^۹، ژنرال سابق تیپ ویژه اداره اصلی اطلاعات فدراسیون روسیه رهبری می‌شد (نیتلینگ^{۱۰}، ۲۰۲۳: ۷-۶). تجربه ارزشمند اوتکین خدمت در نیروهای نظامی نخبه روسیه، همراه با دانش نسبتاً عمیق او از محیط سوریه، او را به یکی از کاریزماتیک‌ترین رهبران شرکت‌های نظامی و امنیتی در روسیه تبدیل کرد. موفقیت او به عنوان فرمانده گروه واگنر در اوکراین و سوریه، اوتکین را به حدی ارتقا داد که او و همکارانش در ۹ دسامبر ۲۰۱۶ به کرملین دعوت شدند و نشان شجاعت^{۱۱} به او اعطا شد و عکس او در کنار رئیس‌جمهور پوتین در صدر اخبار رسانه‌ها و مورد بحث محافل سیاسی قرار گرفت (سوخانکین^{۱۲}، ۲۰۱۸: ۶). همچنین شرکت واگنر توسط یگنی پریگوژین^{۱۳}، یک الیگارشی روسی تأمین مالی می‌شد که او نیز یک تاجر ثروتمند روسی با روابط نزدیک با کرملین

1. RSB Group
2. ENOT Corp
3. Redut Special Unit
4. Turan
5. Antiterror Security Group
6. Moran security Group
7. Slavonic Corps
8. Volkenburg
9. Dmitry Utkin
10. Neethling
11. Orden Muzhestva
12. Sukhankin
13. Yegenii Prigozhin

و ولادیمیر پوتین بود. نزدیکی رهبران واگنر به پوتین و نخبگان سیاسی مسکو موجب شد نفوذ سیاسی بسیار بیشتری در روابط بین‌الملل نسبت به سایر شرکت‌ها اعمال کنند^۱ (نیتلینگ، ۲۰۲۳: ۲). علاوه بر نفوذ سیاسی، ساختار و تجهیزات واگنر نیز بر نقش آفرینی آن در بحران‌های بین‌المللی مؤثر بود؛ چراکه، موفقیت‌آمیز بودن مدیریت نظامی در هر بحران، مستلزم استقرار تشکیلات و تجهیزات نظامی است که در آن همه عناصر سیستم در وظایف نظامی مانند نیروهای هوایی، دریایی و زمینی همکاری کرده و عملکردهای زیرمجموعه شاخه‌های نظامی مانند برنامه‌ریزی، تدارکات، نگهداری سیستم‌های تسلیحاتی و عملیات‌های تهاجمی و تدافعی نیز با یکدیگر ناسازگار نباشند (کیلستراب^۲، ۲۰۱۱: ۸). ساختار و تجهیزات واگنر نیز قابلیت حضور این نیروها را در بحران سوریه ایجاد کرد و باعث برتری آن نسبت به سایر شرکت‌های روسی و همچنین دشمنان آن‌ها در سوریه شد.

منابع مختلف و گزارش‌های خبری، کارکنان واگنر را مجهز به سلاح‌های کوچک و سبک پیشرفته شناسایی کرده‌اند. واگنر با داشتن یک پایگاه مرکزی و مرکز آموزشی در دهکده مولکینو^۳، به تکنیک‌ها و منابع آموزشی استفاده‌شده توسط تشکلهای نظامی ویژه روسیه دسترسی دارد و در همان منطقه‌ای مستقر است که دهمین تیپ نیروهای ویژه ارتش روسیه مستقر است (گلشن^۴، ۲۰۱۷: ۱۳-۱۲). کارکنان واگنر قبل از اعزام به عملیات، یک مرحله مقدماتی را طی می‌کنند که شامل آموزش جامع حداکثر دوماهه در پایگاه مولکینو است. تمرین‌های روزانه این گروه نیز شامل تمرین تیراندازی مداوم با انواع مختلف سلاح‌ها می‌باشد. این تجهیزات و تسلیحات نشان می‌دهد که واگنر یک شرکت نظامی و امنیتی معمولی نیست؛ بلکه یک ارتش میناتوری است. گروه واگنر از تانک‌های جنگی اصلی تی.۷۲^۵، موشک‌اندازهای چندگانه بی.ام.۲۱ گراد^۶، خمپاره‌انداز^۷، هویترهای ۱۲۲ میلی‌متری دی.۳۰^۸ و همچنین وسایل نقلیه پیاده‌نظام و نفربر

۱. در ۲۳ اوت ۲۰۲۳ جت حامل یوگنی پریگوژین و دیمیتری اوتکین در شمال مسکو سقوط کرد و تمام سرنشینان آن کشته شدند.

2. Kjelstrup
3. Molkino
4. Gülşen
5. T-72 main battle tanks
6. BM21 Grad multiple rocket launchers
7. Mortars
8. D-30 122-millimeter howitzers

زره پوش^۱ در عملیات‌های رزمی استفاده می‌کنند (آستینسن و باکوول، ۲۰۱۸: ۳۴ و سوخانکین، ۲۰۱۸: ۶-۷).

تقسیم وظایف و مسئولیت‌های گروه واگنر و همچنین سیستم زیرساخت فرماندهی و کنترل آن از الگوی برگرفته از ساختار نیروهای مسلح روسیه پیروی می‌کند. ساختار این شرکت نشان می‌دهد که بر اساس یک سیستم توسعه یافته زیرساخت فرماندهی و کنترل^۲ عمل می‌کند. این ساختار به واگنر اجازه می‌دهد تا مأموریت‌های تهاجمی را که معمولاً توسط نیروهای مسلح معمولی انجام می‌شود، بر عهده بگیرند. در سوریه نیز واگنر نقش تهاجمی تری را نسبت به سایر شرکت‌های نظامی و امنیتی بر عهده داشته است. واگنر در جنگ سوریه با ۲۵۰۰ جنگجو حضور داشت. از مجموع ۲۳۴۹ نیرویی که در طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ در سوریه مستقر شدند، ساختار فرماندهی واگنر به یک سطح بالاتر متشکل از فرمانده کل و یک مدیر و همچنین سطح میانی فرماندهی سازماندهی شده بود. گروه دوم شامل گروه اداری (۳۸۸ کارکنان)، ستاد کل (۱۹ نفر) و گروه کنترل (۳۶ نفر) بود. علاوه بر این، نقش کلیدی به بخش آمادگی نظامی نسبت داده شده است. واحدهای مختلف زیرمجموعه در بخش آمادگی نظامی، مسئولیت آموزش سلاح گرم، آموزش مهندسان، خدمه خودروهای جنگی تانک و پیاده‌نظام، آموزش تاکتیکی و همچنین توپخانه و دفاع ضد هوایی را بر عهده داشتند (بريستو^۳، ۲۰۱۹: ۸؛ سوخانکین، ۲۰۱۸: ۷؛ آستینسن و باکوول، ۲۰۱۸: ۲۶).

زمان و مرحله نقش آفرینی شرکت واگنر در بحران سوریه

حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی در بحران سوریه با فعالیت‌های سپاه اسلاونیک آغاز شد. در تابستان ۲۰۱۳، گروه امنیتی موران پیشنهادی از وزارت نفت و منابع معدنی سوریه برای تشکیل گروهی از افراد حرفه‌ای قادر به حفاظت فیزیکی از زیرساخت‌های مربوط به استخراج، حمل و نقل و فرآوری هیدروکربن‌ها، دریافت کرد؛ اما مدیریت ارشد موران که نسبت به این موضوع مشکوک بود و تمایلی به درگیر کردن خود در یک فریب احتمالی نداشت، تصمیم گرفت از طریق یک نیروی نیابتی عمل کند و در پی آن، سپاه اسلاونیک را به عنوان یک «پروژه

1. Infantry Fighting Vehicles and Armoured Personnel Carries

2. C2 system

3. Bristow

آزمایشی» ایجاد کرد. در بهار ۲۰۱۳ آگهی‌های استخدام برای سپاه اسلاونیک در تابلوهای اعلانات آنلاین مسکو ظاهر شد و ۲۶۷ شبه‌نظامی برای تأمین امنیت تأسیسات نفتی در نزدیکی پالمیرا به نمایندگی از وزارت انرژی سوریه استخدام شد (روندو، ۲۰۱۹: ۴۵). این گروه با هواپیما به بیروت رفته و پس از انتقال به دمشق، راهی پایگاه نظامی لاذقیه سوریه شدند. پس از ورود به سوریه، تأمین امنیت چاه‌های نفتی در شرق دیرالزور^۲ نیز بر عهده سپاه اسلاونیک گذاشته شد؛ اما اولین درگیری نظامی جدی سپاه اسلاو، در نزدیکی السخنه (شرق سوریه، نزدیک حمص)، منجر به عقب‌نشینی تشکیلات و نیروهای این شرکت شد (گلشن، ۲۰۱۷: ۱۴؛ سوخانکین، ۲۰۱۹: ۴-۲). فعالیت‌های این گروه در سوریه چندان مورد توجه قرار نگرفت تا زمانی که داعش در اکتبر ۲۰۱۳ ادعا کرد که بیش از ۱۰۰ نفر را در نبرد در نزدیکی حمص کشته است که در بین کشته‌شدگان، پیمانکاران روسی از جمله یک کارمند موران وجود دارد. ده‌ها مبارز وابسته سپاه اسلاو در حین خدمت در منطقه‌ای از عملیات که تا استان دیرالزور سوریه را دربر می‌گرفت، در نزدیکی شهر حمص درگیر شدند (روندو، ۲۰۱۹: ۴۵). حدود ۲۵۰ جنگجو را برای بازپس‌گیری زیرساخت‌ها مستقر شد، اما تلاش‌هایشان شکست خورد (آستینسن و باکول، ۲۰۱۸: ۲۵). علی‌رغم این شکست، اعضای سپاه اسلاونیک (از جمله یکی از رهبران آن، دیمتری اوتکین) بعداً در تابستان ۲۰۱۴ به‌عنوان بخشی از شرکت نظامی و امنیتی واگنر در اوکراین ظاهر شدند.

در بازه زمانی ماه مه ۲۰۱۴ و فوریه ۲۰۱۵، شرکت واگنر ظهور کرد و به یک تشکیلات شبه‌نظامی سازمان‌یافته در شرق اوکراین تبدیل شد و پس از آن، به سوریه اعزام شد تا در کنار بشار اسد مبارزه کند (سوخانکین، ۲۰۱۹: ۴). اعزام نیروهای واگنر به سوریه به‌منزله تهاجمی‌ترین حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی در مرحله گسترش بحران سوریه در نظر گرفته می‌شود.

درواقع، داستان واگنر با درخواست دولت سوریه از گروه امنیتی موران در سال ۲۰۱۳ برای کمک به بازپس‌گیری زیرساخت‌های نفتی و گازی از داعش در سوریه آغاز شد و با تأسیس و حضور سپاه اسلاونیک و سپس شکست آن ادامه یافت. با ورود رسمی روسیه به سوریه در سال ۲۰۱۵، گروه واگنر نیز در سوریه ظاهر شد و این حضور تا سال ۲۰۱۸ ادامه یافت. نیروهای واگنر

1. Rondeaux
2. Deir ez-Zor

روی زمین در سوریه عملیات می‌کردند. طی این عملیات‌ها، ارتش سوریه از سوی هوانوردی نظامی روسیه پشتیبانی می‌شد، در حالی که نیروهای واگنر در خط مقدم با گروه‌های عربی ناهمگون بودند (فینبرگ^۱، ۲۰۲۰: ۲۵-۲۴). این گروه در پالمیرا، اطراف دیرالزور، نزدیک حماه و در ادلب فعالیت داشته است و برخلاف فعالیت‌های شرکت واگنر در اوکراین، فعالیت‌های آن در سوریه نسبتاً بدنام است؛ چراکه، عمدتاً فعالیت‌های نظامی سنتی انجام داد.

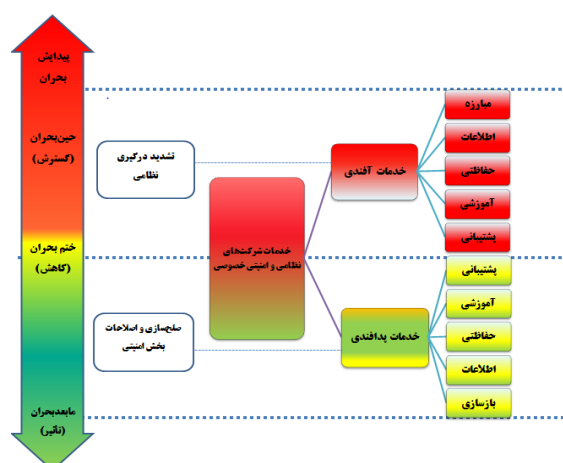
در مأموریت‌های واگنر در سوریه، نبردهای بسیار سنگینی رخ داد که اعضای گروه واگنر مستقیماً در این نبردها شرکت کردند و به موفقیت‌های رزمی ترکیبی دست یافتند؛ اما تلاش این نیروها در سال ۲۰۱۸ برای حمله به کارخانه گاز کونوکو در استان دیرالزور، اقدامی بود که آنها را وارد درگیری مستقیم نظامی با نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده آمریکا کرد. این نیروها در شب ۷-۸ فوریه سال ۲۰۱۸ در دیرالزور، با نیروهای اس.دی. اف^۲ مورد حمایت آمریکا درگیر شده و متحمل خسارات قابل توجهی شدند. این برای اولین بار از جنگ ویتنام بود که نیروهای روسیه و ایالات متحده آمریکا به‌طور مستقیم باهم برخورد می‌کردند. در طی سه ساعت نبردی که رخ داد، ارتش ایالات متحده، توپخانه، جت‌ها، بالگردها و وسایل نقلیه بدون سرنشین را مستقر کردند و ۱۰۰ الی ۲۰۰ نیروی روسی در این درگیری کشته شدند که این نیروها در لباس سربازان دولتی نبودند؛ بلکه، نیروهای واگنر روسیه بودند (اسپیرین^۳، ۲۰۱۸: ۳۹).

باوجود اینکه، تخمین زده می‌شود بین ۱۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پیمانکار اعزامی از سوی شرکت واگنر در سال ۲۰۱۶ در سوریه اقامت داشته و در نبردها شرکت فعال داشته‌اند (ویوتوویچ^۴ و دیگران، ۲۰۱۸: ۹۴-۹۰)؛ اما پس از سال ۲۰۱۸ تعداد آنها به‌شدت کاهش یافت. حتی به گفته برخی منابع، آنها دیگر در آنجا فعالیت نمی‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت، حضور جدی و تهاجمی شرکت نظامی و امنیتی واگنر در بازه زمانی ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۸ بوده است که مرحله گسترش بحران سوریه محسوب می‌گردد.

1. Feinberg
2. SDF
3. Spearin
4. Wójtowicz

اشکال نقش آفرینی شرکت واگنر در بحران سوریه

اصلی ترین مسئله تأثیرگذار بر نقش شرکت های نظامی و امنیتی در بحران های بین المللی، نوع خدمات آن ها است. با توجه به اینکه شرایط و وضعیت هر مرحله از بحران، خدمات متناسب با آن را ایجاب می کند، دسته بندی جدیدی از خدمات شرکت ها از سوی پژوهشگران این مقاله ارائه شده است. بر این اساس، خدمات شرکت های نظامی و امنیتی در مرحله گسترش درگیری و مخاصمات مسلحانه از نوع تهاجمی (آفندی) و در ۵ حوزه مبارزه، آموزش و مشاوره، اطلاعات، پشتیبانی و حفاظتی می باشد و در مرحله پس از آن که با مفهوم صلح سازی همراه می باشد، این کنشگران در ۵ حوزه بازسازی، آموزش و مشاوره، اطلاعات، پشتیبانی و حفاظتی، به مشتریان خود خدمات تدافعی (پدافندی) ارائه می دهند.



شکل ۳. اشکال نقش آفرینی شرکت های نظامی و امنیتی در بحران

بازه زمانی حضور شرکت ها در بحران سوریه و شرایط بحران در آن زمان نیز تأییدی بر تهاجمی بودن خدمات شرکت نظامی و امنیتی واگنر در سوریه است. شرکت واگنر در مرحله گسترش و درگیری های شدید نظامی و با هدف مقابله با نیروهای مخالف دولت سوریه و تغییر استراتژیک میدان نبرد به نفع بشار اسد و همچنین بازپس گیری و حفظ مناطق و زیرساخت های حیاتی و اقتصادی تصرف شده توسط مخالفان، وارد این کشور شد که دستیابی به این هدف مستلزم استفاده از سطح بالایی از زور و خشونت بود. برخلاف خدمات شرکت های غربی که غالباً

از نوع تدافعی هستند، خدمات شرکت‌های روسی اغلب از نوع تهاجمی بوده و در ۵ حوزه و چهار بازه زمانی مختلف در بحران سوریه ارائه شده است.

* حوزه اطلاعات / «شناسایی زمینی» (سپتامبر ۲۰۱۵ تا اوایل ۲۰۱۶)

حملات روسیه علیه مخالفان بشار اسد به صورت حملات هوایی از پایگاه هوایی خود بود که از سپتامبر ۲۰۱۵ آغاز گردید. پس از حضور روسیه در بحران سوریه، در اکتبر ۲۰۱۵ ایالات متحده آمریکا نیز اعلام کرد که نیروهای عملیات ویژه را در شمال سوریه برای کمک به نیروهای مبارزه با داعش مستقر خواهد کرد. در این زمان، با حمایت‌های روسیه از بشار اسد و کمک‌های نظامی آن در راستای مبارزه با داعش، نیروهای دولتی سوریه با کمک نیروی هوایی روسیه، در مارس ۲۰۱۶ موفق شدند داعش را از پالمیرا بیرون کنند. شرکت واگنر در این بازه زمانی، عملیات نظامی عمده‌ای انجام نداد و فعالیت‌های آن عمدتاً به استقرار اولیه، جمع‌آوری اطلاعات و برخی برخوردهای اولیه نظامی با نیروهای مخالف اسد محدود می‌شد. حضور واگنر در این بازه زمانی در سوریه نشانگر آن بود که نیروهای این شرکت می‌توانند به‌طور مشترک یا همراه با تشکیلات منظم و نیروهای نظامی عادی، برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی مورد استفاده قرار گیرند.

* حوزه‌های مبارزه و پشتیبانی تعمیرات با آتش ۲» (آوریل/مه-دسامبر ۲۰۱۶)

در حالی که گروه واگنر در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ با فعالیت‌های شناسایی و برخی نبردهای در مقیاس کوچک شروع به کار کرد، در این دوره و در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ فعالیت‌های آن به نبرد در مقیاس بزرگ افزایش یافت و از سال ۲۰۱۷ به بعد به یک گروه شبه‌نظامی تبدیل شد. به گفته یکی از افسران سابق واگنر، گروه هنگام درگیر شدن در نبرد، عملکرد موج شوک را به عهده می‌گرفت و حمله را رهبری می‌کرد (پورت ۳، ۲۰۲۱: ۶۹). مبارزان واگنر در بحران سوریه به‌عنوان پیاده نظام زبده در سوریه مورد استفاده قرار می‌گرفتند و حتی در عملیات‌های ویژه علیه داعش شرکت می‌کردند. درواقع، نیروهای واگنر در طول این مرحله، تبادل آتش و همچنین اولین رویارویی نظامی جدی خود را تجربه کردند. فعالیت واگنر نشان داد که این نیروها به‌دلیل ساختار خاص، توانایی انجام عملیات علیه نیروهای مخالف دولت مستقر سوریه، به‌طور مستقل از نیروهای

1. Ground Reconnaissance
2. Baptism by Fire
3. Port

سوری و حتی گاهی به جای ارتش عادی بشار اسد را نیز دارند و همچنین می‌توانند با موفقیت در وظایف نظامی در کنار نیروهای بشار اسد به کار گرفته شوند (سوخانکین، ۲۰۱۸: ۷).

عملیات اصلی که واگنر در این دوره درگیر بود، آزادسازی پالمیرا بود. براساس گزارش‌های موجود، تعداد اعضای واگنر مستقر در سوریه حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تخمین زده شده است؛ اما در این شرایط، واحدهای گروه واگنر اولین تلفات جدی خود را متحمل شدند. طبق منابع روسی، در این زمان ۳۲ کشته و تقریباً ۸۰ نفر به شدت زخمی شدند. ظاهراً هدف از این مأموریت‌ها نشان دادن مهارت‌های جنگی بالای شرکت‌های نظامی و امنیتی به رژیم سوریه بود و در نتیجه، این موضوع دولت دمشق را متقاعد کرد که بخشی از بار مالی هزینه‌های واگنر را به عهده بگیرد. در این مدت، این گروه از بهترین نوع ممکن تسلیحات/مهمات استفاده کرد و تا حد امکان، مستقل از نیروهای مسلح سوریه و گروه‌های وفادار به اسد عمل کردند.

* حوزه حفاظت - درگیری عمیق ۱» (ژانویه ۲۰۱۷-فوریه ۲۰۱۸)

در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۷ تا فوریه ۲۰۱۸، نیروهای دولتی سوریه موفق شدند پالمیرا را از داعش بازپس بگیرند. در آوریل ۲۰۱۷، در پی استفاده از گاز اعصاب در شهر خان شیخون در استان ادلب، دست کم ۸۹ نفر کشته و بیش از ۵۰۰ نفر زخمی شدند. منابع غربی مدعی شدند که این حملات توسط هواپیماهای سوری یا روسی انجام شده است، اما مسکو و دمشق این اتهامات را رد کردند. پس از آن آمریکا ۵۹ موشک کروز به پایگاه هوایی شعیرات متعلق به دولت بشار اسد شلیک کرد و دونالد ترامپ این کار را در راستای امنیت ملی آمریکا توجیه کرد (یورونیوز، ۲۰۱۸). در ادامه حمایت‌های ایالات متحده از شورشیان، در تابستان ۲۰۱۷، آمریکا کمک‌های خود از جمله تأمین تسلیحات آنها را افزایش داد. از طرفی دیگر، با محاصره حمص توسط نیروهای دولتی، شورشیان پس از ماه‌ها، آن را ترک کرده و به استان ادلب رفتند تا به سایر نیروهای شورشی بپیوندند. دولت سوریه و حامیانش نیز تلاش کردند تا مرکز سوریه را از داعش پاکسازی کنند و شهر دیرالزور را که از سال ۲۰۱۴ تحت کنترل داعش بود، در سپتامبر ۲۰۱۷ آزاد کنند.

1. Deep Involvement
2. Euronews

این مرحله با تکامل تدریجی عملکردهای انجام شده توسط گروه واگنر و همچنین نحوه عملکرد آن مشخص شد. دگرگونی کلیدی _ پس از نشان دادن سطح بالایی از مهارت‌های عملیاتی در تکامل مشهود وظایف آن، از عملیات نظامی واقعی تا مأموریت‌های شبه‌نظامی‌تر، عمدتاً مربوط به بازپس‌گیری مناطق تصرف شده دارای هیدروکربن‌ها، از جمله میادین نفت و گاز در نزدیکی پالمیرا، لاذقیه و حلب منعکس شد. نکته قابل توجه این است که شرکت‌های نظامی و امنیتی در این مرحله نبردهای نظامی تمام‌عیار انجام نمی‌دادند؛ بلکه وظایف آنها در درجه اول به گسترش کنترل بر مناطق دارای نفت و گاز طبیعی و حفاظت از آنها مربوط می‌شد. این چیزی است که در قبال آن به آنها پول داده می‌شد؛ اما کنترل یک میدان نفتی با وجود شبه‌نظامیان [نیروهای مخالف اسد] غیرممکن بود و برای دور کردن آنها باید از زور استفاده می‌شد. در واقع، خدمات ارائه شده توسط واگنر در این دوره زمانی بیانگر آن بود که این شرکت می‌تواند برای محافظت از اشیاء، زیرساخت‌های حیاتی به نمایندگی از دولت بشار اسد مورد استفاده قرار گیرد.

* حوزه آموزش و مشاوره

نیروهای شرکت واگنر در سوریه، علاوه بر خدمات در حوزه‌های مبارزه و پشتیبانی، حفاظتی و اطلاعاتی، در حوزه آموزش و مشاوره نیز مشغول به فعالیت بوده‌اند. این نیروها در تمامی بازه‌های زمانی به آموزش نیروهای ویژه سوریه مشغول بوده‌اند. در واقع، بررسی فعالیت‌های انجام شده توسط نیروهای واگنر بیانگر آن است که یکی دیگر از زمینه‌های کاربردی مفید واگنر، آموزش نیروهای نظامی محلی متحد با دولت بشار اسد بوده است (سوخانکین، ۲۰۱۹: ۱۳-۱۲؛ فینبرگ، ۲۰۲۰: ۲۵-۲۴).

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی بر شدت بحران سوریه

شرکت‌های نظامی و امنیتی فعال در بحران سوریه با محوریت واگنر، با ارائه خدمات تهاجمی در حوزه‌های آموزش و مشاوره، پشتیبانی، حفاظتی، اطلاعات و مبارزه در مرحله گسترش بحران، به عنوان بازیگران خرد و ابزار بازیگران بزرگ‌تر بر ۵ شاخص شدت بحران در سوریه تأثیر گذار بوده‌اند که در مباحث بعدی به طور مبسوط تشریح می‌شود.

تأثیر شرکت واگنر بر میزان و نوع مداخله روسیه در بحران سوریه

در بحران سوریه، مهم‌ترین مؤلفه تأثیرپذیر از حضور و فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی، میزان و نوع مداخله روسیه در این بحران بوده است. حضور روسیه در سوریه با دلایل مختلف نشأت گرفته از منافع ملی خود صورت گرفت. وینستون چرچیل دریکی از سخنان خود در خصوص روسیه بیان می‌کند که سیاست خارجی روسیه غیرقابل پیش‌بینی است؛ چراکه سیاست خارجی روسیه «معمایی است که در یک معمای درون یک معما طرح شده است» (افریدی^۱ و جبران^۲، ۲۰۱۸: ۵۷-۵۶)؛ اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد، کلید حل این معما را می‌توان در منافع ملی روسیه و تلاش این کشور برای دستیابی به جایگاه قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل جستجو کرد. همان‌طور که نئوئالیسم منطق اصلی هدایت‌کننده رفتار دولت‌ها را منافع ملی آن‌ها عنوان می‌کند؛ روسیه نیز در دوره‌های تاریخی مختلف سیاست خارجی خود را بر مبنای منافع ملی و رسیدن به اهداف خود و جایگاه قدرت بزرگ تعریف کرده است (لیو^۳، ۲۰۲۲: ۸۶).

اگرچه تمام اهداف روسیه از انجام عملیات در سوریه مبهم باقی مانده است؛ اما براساس اهداف اعلام شده، روسیه با توجه به مجموعه‌ای از الزامات و دلایل مختلف از جمله شکست تروریست‌ها (به‌ویژه داعش)، پیشگیری از تغییر نظام سیاسی سوریه، ایجاد راه‌های بیشتر برای حضور روسیه در غرب آسیا، بازسازی نقش ازدست‌رفته روسیه پس از فروپاشی شوروی، بازگرداندن روسیه به‌عنوان یک قدرت در سطح جهانی با شکستن انزوای سیاسی تحمیل شده توسط آمریکا، آزمایش تجهیزات جدید و در حال ساخت، کسب تجربیات رزمی عملیاتی برای نیروهای خود و اصلاح روش‌های جنگ هیبریدی روسیه وارد بحران سوریه شد (ولکنبورگ، ۲۰۱۸: ۳). این مداخله نسبتاً پرخطر بود، اما به‌نظر می‌رسید که مزایای آن درنهایت از خطرات آن بیشتر است. اگرچه آن‌ها تکثیر داعش را به‌عنوان خطری بزرگ می‌دیدند، اما هدف بزرگ‌ترشان این بود که در صحنه جهانی به‌عنوان هدایت و رهبری یک راه‌حل سیاسی در سوریه دیده شوند و موقعیت روسیه را به‌عنوان یک قدرت جهانی نشان دهند (فینبرگ، ۲۰۲۰: ۲۵-۲۴).

1. Afridi
2. Jibran
3. Liu

علاوه بر این هدف کلان باید اشاره کرد که باتوجه به جایگاه راهبردی سوریه در منطقه غرب آسیا، روسیه منافع اقتصادی و راهبردی کافی در این منطقه داشته و با وضعیت لیبی بعد از قذافی، این کشور تنها موقعیت نفوذ روسیه در منطقه غرب آسیا محسوب می‌گردد. منافع موجود در سوریه با دولت مستقر آن مرتبط بوده و تغییر دولت بشمار اسد در سوریه می‌توانست پیامدهای زیانباری برای منافع روسیه و موقعیت ساختاری آن در جهان آنارشیستیک بین‌المللی در پی داشته باشد. باتوجه به اینکه فناوری تسلیحاتی و انرژی از ابزارهای قدرت روس‌ها به شمار می‌روند (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۶) و سوریه مهم‌ترین خریدار جنگ‌افزارهای روسی در منطقه غرب آسیا و پایگاه نظامی طرطوس روسیه در سوریه، تنها پایگاه نظامی روسیه در این منطقه است، می‌توان گفت، روسیه با مداخله در بحران سوریه به دنبال افزایش قدرت خود و حفاظت و گسترش منافع استراتژیک و اقتصادی خود از جمله انرژی، فروش تسلیحات و همچنین تأسیسات دریایی طرطوس بوده است (افریدی و جبران، ۲۰۱۸: ۶۴-۶۲).

دولت روسیه برای رسیدن به اهداف خود در سوریه و در طول مبارزه برای نفوذ و گسترش سیطره خود در عرصه بین‌الملل، با در نظر گرفتن مواردی همچون محدودیت‌های قانونی مداخله در بحران‌های سایر کشورها و مناطق، توانایی نظامی لازم برای مداخله، واکنش‌های افکار عمومی و هزینه‌های اقتصادی مداخلات، به مجموعه‌ای از ابزارهای دیپلماتیک، اطلاعاتی، امنیتی و اقتصادی متکی است که به کرملین کمک می‌کند تا از جایگاه کنونی خود بالاتر برود. یکی از جدیدترین ابزارهای موجود در این جعبه‌ابزار، شرکت‌های نظامی و امنیتی همچون گروه واگنر است (رینولدز، ۲۰۱۹: ۱). شرکت‌های نظامی و امنیتی با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون انعطاف‌پذیری بالا، نداشتن محدودیت‌های سیاسی و امکان فراهم آوردن زمینه انکار و محرمانگی اطلاعات، مزیت‌های مهمی برای دولت روسیه ایجاد می‌کنند (ماوروک و گوک، ۲۰۲۳: ۲۹۶). درواقع، نیروهای مخفی که امروزه به‌عنوان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی فعالیت می‌کنند، منافع امنیت ملی روسیه را در مناطقی از جهان که دارای بی‌ثباتی سیاسی هستند، تقویت کرده و آثار منفی مؤثر بر صادرات پیشرو روسیه - انرژی و تسلیحات - را از بین می‌برند (روندو، ۲۰۱۹: ۲۰). در این راستا، پریگورین از ارتباطات کرملین برای سود بردن از منابع طبیعی در مناطقی که

واگنر در آن فعالیت می‌کند استفاده می‌کند. این موضوع در سوریه در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ آغاز شد، زمانی که دولت بشار اسد موافقت کرد که هزینه خدمات نظامی شرکت واگنر تحت کنترل پریگوژین را بپردازد. این توافق همچنین به شرکت پریگوژین یک چهارم سود حاصل از میدادن نفت و گازی (که به نمایندگی از دولت اسد تصرف می‌کند)، اعطا کرد (رینولدز، ۲۰۱۹: ۵). طبق برخی منابع اطلاعاتی، یوگنی پریگوژین، مدیر واگنر، ۲۵ درصد از درآمد حاصل از بازپس‌گیری چاه‌های نفت در سوریه را دریافت کرده است (ویترا، ۲۰۲۰: ۵۹).

باتوجه به مطالب فوق، مهم‌ترین کارکردهای شرکت نظامی و امنیتی واگنر در سوریه، تسهیل حضور مستقیم نظامی روسیه در بحران سوریه است که از طرق مختلفی انجام شده است. دور زدن قوانین ملی و بین‌المللی محدودکننده مداخله نظامی در خارج از مرزهای ملی، مهار واکنش‌های افکار عمومی، کاهش هزینه‌های جنگ و کسب منفعت مالی و اقتصادی، فرار از پاسخگویی در قبال جنایات جنگی و حرفه‌ای سازی و تقویت نیروهای نظامی در میدان نبرد از مهم‌ترین مزیت‌های این شرکت برای تسهیل حضور نظامی روسیه در سوریه بوده است.

دور زدن قوانین بین‌المللی و ملی محدودکننده مداخله مستقیم در خارج از مرزهای ملی

در طول مبارزه برای نفوذ در صحنه سیاسی جهان، یک دولت باید واکنش‌های منفی بسیاری از کنشگران در قبال مداخله رسمی در کشورها و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل را در نظر بگیرد (ماوروک و گوک، ۲۰۲۳: ۲۹۳)؛ بنابراین در مواقعی که انجام عملیات دارای اهمیت راهبردی برای منافع روسیه ضروری باشد، اما انجام آن در مناطقی از سوریه توسط قوانین بین‌المللی / ملی ممنوع شده باشد، شرکت‌های نظامی و امنیتی وارد عمل می‌شوند و امکان از بین بردن مسئولیت دولت را فراهم می‌کنند (گلشن، ۲۰۱۷: ۱۶). از سال ۲۰۱۵ نیز روسیه که می‌خواست از یک نبرد زمینی رسمی در مداخله سوریه اجتناب کند؛ ترجیح داد از استراتژی استفاده از واگنر به عنوان ابزار مداخله در سوریه پیروی کند (ماوروک و گوک، ۲۰۲۳: ۲۹۷). به نظر می‌رسد، دلیل اصلی قانونی نشدن فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در روسیه نیز همین موضوع باشد؛ زیرا تا زمانی که شرکت‌های نظامی و امنیتی به‌طور کامل قانونی نشده باشند، مفیدتر خواهند بود و

نپذیرفتن مسئولیت اقدامات این شرکت‌ها در سطح بین‌المللی برای دولت روسیه آسان‌تر خواهد بود (آستینسن و باکوول، ۲۰۱۸: ۳). اظهارات رئیس‌جمهور روسیه، پوتین، نیز تأییدی بر آن است که این شرکت‌ها ابزاری برای تحقق منافع ملی در مناطقی هستند که خود دولت نباید درگیر شود.

مهار واکنش‌های افکار عمومی به تلفات مداخله نظامی در سوریه

شرکت‌های نظامی و امنیتی به دولت روسیه این امکان را می‌دهد که از نیروی نظامی در عملیات‌هایی استفاده کنند که افکار عمومی روسیه نسبت به تلفات آن حساس باشد. سندرم افغانستان هنوز محدودیت‌های شدیدی را در تعداد سربازان آماده اعزام به خارج از کشور اعمال کرده است. از زمان اشغال افغانستان توسط شوروی (۱۹۷۹-۱۹۸۹)، شک و تردید زیادی بین مردم روسیه در برابر ریسک حضور در عملیات‌هایی که به‌طور مستقیم مرتبط با دفاع از روسیه نیستند، وجود داشته است (آستینسن و باکوول، ۲۰۱۸: ۳۱)؛ بنابراین از آنجا که هنوز حساسیت عمومی زیادی نسبت به تلفات زیاد نظامی وجود دارد، دولت روسیه ترجیح داده است با اولویت قرار دادن به اصطلاح «جنگ بدون حضور» تا آنجا که ممکن است تلفات نظامیان را به حداقل برساند و در عوض از نیروهای شرکت‌های نظامی و امنیتی در سنگین‌ترین نبردهای زمینی استفاده کند (پوپسکو^۱ و سکریرو^۲، ۲۰۱۸: ۶)؛ بنابراین، روسیه از کنشگران خصوصی در سوریه استفاده کرد تا با پنهان کردن تلفات و انعکاس این عملیات به‌عنوان یک عملیات موفق و بدون تلفات، از واکنش افکار عمومی روسیه جلوگیری کند (ماوروک و گوک، ۲۰۲۳: ۲۹۲).

نمونه مشهود این مزیت، نتیجه عملیات دیرالزور بود که استفاده از شرکت واگنر در این عملیات موجب شد در جبهه داخلی، دولت روسیه هیچ آسیبی نبیند. گذشته از برخی درخواست‌های گروه‌های مخالف سیاسی «برای آغاز تحقیقات رسمی و توضیح درباره مرگ شهروندان روسی»، این حادثه در داخل روسیه مورد توجه قرار نگرفت. همان‌طور که روسلان پوخوف، مدیر مرکز تحلیل استراتژی‌ها و فناوری‌ها مستقر در مسکو اشاره کرد، مردم روسیه نسبت به این تلفات بی‌تفاوتی گسترده نشان دادند، با این فرض که این افراد [گروه واگنر] حقوق می‌گیرند و آن‌ها دقیقاً می‌دانند که وارد چه کارزاری می‌شوند. با توجه به تجربه تلخ

1. Popescu
2. Secrieru

شوروی/روسیه در افغانستان و چین، این دقیقاً همان واکنشی بود که مسکو به آن امیدوار بود (سوخانکین، ۲۰۱۸: ۱۶).

کاهش هزینه‌های جنگ و کسب منفعت مالی و اقتصادی در جنگ سوریه

در طول مبارزه برای نفوذ در صحنه سیاسی جهان، یک دولت باید هزینه‌های اقتصادی ارتش معمولی را در نظر بگیرد. روسیه نیز با در نظر گرفتن این امر، برای کاهش هزینه‌های شرکت در جنگ سوریه و کسب منافع اقتصادی، از شرکت‌های نظامی و امنیتی استفاده کرد. شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی نیز مانند هم‌تایان غربی خود، به‌طور قابل توجهی ارزان‌تر از سربازان معمولی هستند (ویتر، ۲۰۲۰: ۵۹). در عین حال که این نیروها قادر به پیروزی و شکل دادن به مبارزات بین نیروهای نامتقارن^۱ هستند، به دلیل ارزان بودن به کارگیری آن‌ها و کم‌خطر بودن آن‌ها برای شهرت دیپلماتیک و نظامی دولت، از نیروهای معمولی متمایز هستند. در حالی که حقوق اعضای شرکت‌های نظامی سودآورتر است، اما هزینه آن‌ها برای دولت روسیه با ساختار حقوق و تقسیم هزینه‌ها با صاحبان مشاغل و کشورهای شریک کاهش می‌یابد. حقوق کارکنان واگنر در خارج از کشور بین سه تا چهار هزار دلار در ماه است که تقریباً دو برابر یک ستوان در ارتش روسیه است. علاوه بر این، فعالیت‌های واگنر منابع مالی مانند سهامی در زیرساخت‌های نفتی سوریه را به همراه داشته است و این در حالی است که رژیم سوریه مجبور شده است هزینه عملیات واگنر را نیز پردازد (بريستو، ۲۰۱۹: ۹)؛ بنابراین می‌توان گفت، روسیه با اقتصاد و بودجه نظامی چندین برابر کمتر از ایالات متحده، از شرکت‌های نظامی و امنیتی برای رقابت ارزان در جنگ جدید استفاده می‌کند. روسیه حدود ۹۵۰ میلیون دلار برای هجده ماه عملیات خود در سوریه (از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷)، حدود ۱,۷۴ میلیون دلار در روز هزینه کرد. این به معنی انجام مأموریت‌های ژئوپلیتیکی با یک سوم هزینه هم‌تایان آمریکایی خود است. ایالات متحده حدود ۱۳,۶ میلیون دلار در روز در یک دوره زمانی مشابه برای حمایت از اهداف ژئوپلیتیک مشابه در عملیات‌ها هزینه کرد (بريستو، ۲۰۱۹: ۹).

علاوه بر این، در این خصوص، «رئیس کمیته فرعی دوما برای دولت‌سازی و قانونی کردن» میکائیل املیانوف^۱، بیان می‌کند که صنعت نظامی خصوصی به سرعت در عرصه بین‌الملل و تحت

1. Mikhail Emelianov

سلطه و توسط کشورهای غربی (به‌ویژه آمریکا و انگلستان) در حال رشد است. وی استدلال می‌کند که در این زمینه ظرفیت بسیار زیادی برای روسیه وجود دارد. املیانوف می‌گوید: تاریخ ما چنین است که ما همیشه مجبوریم در جنگ‌ها مبارزه کنیم، حال چرا برای به‌دست آوردن منفعت از این روش و تجربه استفاده نکنیم؟^۱ از نظر ناظر نظامی روسی ایوان کونووالوف^۱، بسیاری از دولت‌های در حال توسعه ممکن است از ظهور شرکت‌های نظامی و امنیتی با وابستگی متفاوت از غرب استقبال کنند (آستینسن و باکول، ۲۰۱۸: ۳۰).

فرار از پاسخگویی در قبال جنایات جنگی در سوریه

وقتی که کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی مرتکب جرمی علیه قوانین بین‌المللی می‌شوند، روسیه در قبال آن مسئول نیست؛ چراکه آن‌ها سربازان رسمی نیستند (گلشن، ۲۰۱۷: ۱۶). نمونه بارز آن پس از شکست سپاه اسلاونیک در بازپس‌گیری زیرساخت‌ها و تأسیسات نفت و گاز سوریه است. زمانی که جنگجویان این شرکت به روسیه بازگشتند، سرویس امنیت فدرال روسیه از این افراد بازجویی کرد و در نهایت گوسف و یوگنی سیدوروف (کهنه‌سربازان موران و شریک سرمایه‌گذاری سپاه اسلاونیک) را به نقض قوانین روسیه علیه فعالیت‌های مزدوری متهم کرده و آن‌ها را دستگیر کردند. گروه امنیتی موران در آن زمان تمام ارتباطات خود با سپاه اسلاونیک را انکار کرد (آستینسن و باکول، ۲۰۱۸: ۲۵).

حرفه‌ای‌سازی و تقویت نیروهای نظامی در میدان نبرد در سوریه

عملیات‌های جنگی روسیه در سوریه غالباً به مأموریت‌های هوایی و نیروهای ویژه محدود می‌شد، اما درکنار نیروهای رسمی روسیه، شرکت‌های نظامی و امنیتی یک نیروی زمینی نیابتی را تأمین کردند که کرملین توانست از خدمات آن‌ها بهره بگیرد. همین امر موجب حرفه‌ای‌سازی و تقویت نیروهای نظامی حاضر در میدان نبرد در سوریه شد.

تأثیر شرکت واگنر بر میزان خشونت بحران سوریه

باتوجه به زمان حضور شرکت واگنر در بحران سوریه که در اوج درگیری‌های مسلحانه بوده است و همچنین براساس اهداف این نیروها که دستیابی به آن‌ها مستلزم استفاده از زور و خشونت

1. Ivan Kononov

است، حضور این شرکت در بحران سوریه موجب ایجاد و گسترش خشونت شده است. آمارهای کشته‌شدگان و اقدامات غیرقانونی شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در سوریه نیز گواهی بر این مدعا است. براساس گزارش گروه کاری سازمان ملل متحد و گزارشگران ویژه در مارس ۲۰۲۱، واگنر مرتکب نقض حقوق بشر مانند خشونت سیستماتیک، قتل‌های غیرقانونی، بازداشت‌های خودسرانه، غارت و شکنجه در بازجویی‌ها، به‌ویژه در غرب آسیا شده است (ماوروک و گوک، ۲۰۲۳: ۲۹۷).

قتل‌عام و کشته‌شدن تقریباً ۲۰۰ کارکنان واگنر درنبرد با نیروهای مشترک آمریکا و کرد در دیرالزور، جایی که این گروه برای تصرف میادین نفت و گاز در اوایل سال ۲۰۱۸ مستقر شده بود (سوخانکین، ۲۰۱۸: ۱۰)، نیز نشانگر خشونت بالای بحران است. علاوه بر این تلفات، در سال‌های قبل از ۲۰۱۸ نیز تعدادی از نیروهای واگنر کشته شدند. در وبگاه‌های خبری روسیه اطلاعات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد که اجساد از مردم روسیه از سوریه به سواستوپول^۱ می‌رسد که اعضای واگنر هستند. برای مثال در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵، ۱۰ جسد به بندر سواستوپول رسید. پس از آن نیز در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵، ۲۶ جسد دیگر نیز در این بندر تحویل گرفته شد (گلشن، ۲۰۱۷: ۱۳). براساس برخی دیگر از گزارش‌ها، از آوریل-مه تا دسامبر ۲۰۱۶، ۳۲ جنگجوی واگنر در آزادسازی پالمیرا از دست داعش کشته و ۸۰ نفر زخمی شدند. از آوریل تا دسامبر ۲۰۱۷، ۱۳۰ یا بیش از ۱۳۰ نیروی مبارز واگنر کشته‌شده‌اند و در سال ۲۰۱۸، درگیری بین نیروهای ارتش آمریکا و جنگنده‌های واگنر معروف به کشتار دیرالزور، منجر به کشته شدن حدود ۱۰۰ نفر از واگنرها و مجروحیت حدود ۲۰۰ نفر از آن‌ها شد. بر اساس گزارشی دیگر، از ژانویه ۲۰۱۷ تا فوریه ۲۰۱۸، بین ۴۰ تا ۶۰ جنگنده واگنر، درحالی که در عملیات تصرف میادین نفت و گاز در نزدیکی پالمیرا، حلب و لاذقیه بودند، کشته شدند. طبق این گزارش، در سال ۲۰۱۷، بین ۴۱ تا ۵۸ نیرو، در سال ۲۰۱۸، بین ۴۴-۴۷ نیرو و در سال ۲۰۲۰، ۴ نیروی واگنر کشته شدند. بر اساس داده‌های مذکور، گروه واگنر اندکی کمتر از سه برابر بیشتر از ارتش روسیه در سوریه تلفات داشته است (۳۰۲-۳۲۲ برای واگنر در مقایسه با بیش از ۱۱۴-۱۳۴ سرباز برای ارتش روسیه) (پورت، ۲۰۲۱: ۶۸-۶۷).

1. Sevastopol

البته باید خاطرنشان کرد که آمار کشته‌شدگان نیروهای شرکت‌های نظامی و امنیتی به صورت رسمی ثبت نمی‌شود و یقیناً آمارهای واقعی متفاوت از ارقام اعلامی است.

تأثیر شرکت واکنر بر تعداد کنشگران بحران سوریه

براساس اطلاعات برآمده از منابع و گزارش‌های موجود، مشتریان اصلی شرکت‌های نظامی و امنیتی روسی در سوریه، دولت روسیه و دولت بشار اسد بوده است که البته در این میان، دولت روسیه تنها کنترل‌کننده این شرکت‌ها بوده است. بر همین اساس، گروه واکنر درجه بالایی از حمایت دولت روسیه و درجه پایینی از حمایت دولت سوریه را در طول مداخله در بحران دریافت کرد. شرکت‌های نظامی و امنیتی با تسهیل مداخله روسیه در مرحله گسترش بحران سوریه موجب افزایش تعداد کنشگران در بحران‌ها شده‌اند. همچنین، حضور کارکنان این شرکت‌ها نیز به عنوان کنشگرانی خرد در بحران سوریه، موجب افزایش تعداد کنشگران و درهم‌گیسختگی بیشتر و در نتیجه تشدید بحران سوریه شده است.

تأثیر شرکت واکنر بر عدم تجانس بحران سوریه

حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی در بحران سوریه علاوه بر افزایش توانایی نظامی نیروهای بشار اسد، با تسهیل حضور روسیه در بحران و ایجاد زمینه حمایت دولت روسیه از جبهه موافقان بشار اسد موجب افزایش عدم تجانس در بحران سوریه شد. به کارگیری خدمات شرکت‌های نظامی و امنیتی توسط نظامیان حامی بشار اسد، موجب تقویت این نیروها و در نتیجه پیروزی آن‌ها در مبارزات شد که از جمله مهم‌ترین عملیات‌ها که با حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی به موفقیت منجر شد؛ عملیات آزادسازی پالمیرا بود. در جریان بازپس‌گیری پالمیرا از داعش، پیشروی اصلی به سمت شهر باستانی سوریه توسط گروه واکنر انجام شد. این واقعیت به طور ضمنی توسط فرمانده نیروهای مسلح روسیه در سوریه، سرهنگ الکساندر دورنیکوف تأیید شد. مسلماً، در این مرحله مقدماتی، واکنر نقش مهمی را از نظر توانمند ساختن نیروهای طرفدار اسد برای بازپس‌گیری بخش‌هایی از کشور ایفا کرد (سوخانکین، ۲۰۱۸: ۱۲-۱۰)؛ اما از نظر برخی محققان و سیاست‌گذاران، موفقیت‌های نظامی تا حد زیادی ناشی از ضعف حریف بود تا قدرت و

شکست‌ناپذیری ذاتی خود شرکت نظامی و امنیتی روسیه (سوخانکین، ۲۰۱۸: ۱۱-۱۰)؛ اما در مجموع، عملکرد کلی این شرکت را (علی‌رغم شکست‌های آن در برخی عملیات‌های خود در سوریه)، می‌توان موفق ارزیابی کرد. وظیفه و هدف واگنر حفظ دولت بشار اسد، از بین بردن مخالفان و داعش در مناطق دارای ذخایر قابل‌توجه نفت و گاز و همچنین حفظ کنترل بر منابع حیاتی به نفع بشار اسد و کرملین بود (پورت، ۲۰۲۱: ۷۳-۷۲). روسلان پوخوف، مدیر مرکز تحلیل استراتژی‌ها و فناوری‌ها^۱ مستقر در مسکو، استدلال می‌کند که استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی یک عامل کلیدی در موفقیت روسیه در سوریه بوده است. این مهم به روسیه اجازه داد تا از استقرار نیروهای زمینی در مقیاس بزرگ اجتناب کند و نیروهای سوری را آموزش دهد و همچنین تبلیغات نامطلوب در مورد تلفات را نفی کند. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که موفقیت واگنر در سوریه، تنها یک موفقیت برای گروه واگنر و کرملین نبود؛ بلکه یک شکست برای ایالات متحده و متحدانش بود، زیرا بحران سوریه یک گروه شبه‌نظامی روسیه را به یک شرکت نظامی و امنیتی تبدیل کرد که قادر به تأمین طیف گسترده‌ای از منافع کرملین است (پورت، ۲۰۲۱: ۷۳-۷۲). درواقع، موضوع استفاده از واگنر در سوریه، به نمادی از استفاده پنهان روسیه از گروه‌های نظامی «سایه»، در یک بازی قدرت علیه غرب و متحدانش و همچنین تأمین منافع ژئواکونومیک/استراتژیک روسیه در خارج از کشور تبدیل شد و طبق نظر صاحب‌نظران این حوزه، روسیه به استفاده نیروهای خصوصی در مناطق بی‌ثبات به‌عنوان ابزاری برای درگیر شدن با غرب به‌شیوه غیرخطی و نامتقارن ادامه خواهد داد (سوخانکین و هورسکا، ۲۰۲۱: ۱۵). چراکه، این شرکت‌ها جنگجویان ویژه‌ای هستند که به روسیه توانایی تصرف مناطق پیرامونی و شکست ایالات متحده آمریکا و ناتو با قدرت‌های بزرگش را می‌دهد (آستینسن و باکوول، ۲۰۱۸: ۳).

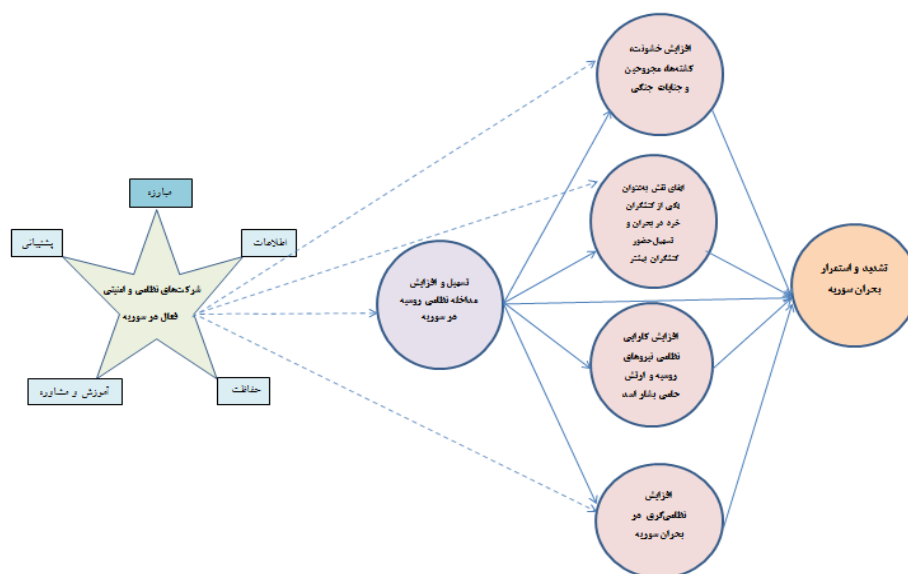
تأثیر شرکت واگنر بر موضوع و مسائل بحران سوریه

موضوعات و مسائل بحران سوریه نیز تحت تأثیر حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی و فعالیت‌های تهاجمی آن‌ها به‌ویژه در حوزه مبارزه و حضور مستقیم در میدان نبرد این بحران، قرار داشته است. استفاده از امکانات و تجهیزات پیشرفته نظامی شرکت واگنر در سوریه و لزوم استفاده

۱. CAST.

۲. Hurska

از زور و خشونت برای مقابله با نیروهای نظامی جبهه مخالف دولت بشار اسد موجب افزایش نظامی‌گری و مسائل نظامی این بحران شد. برخلاف شرکت‌های غربی، شرکت‌های روسی فعال در بحران سوریه ابایی از آشکار بودن خدمات نظامی خود و حضور در میدان نبرد ندارند.



شکل ۴. نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی در بحران سوریه

جمع‌بندی

شرکت نظامی و امنیتی واگنر با دارا بودن تجهیزات و تسلیحات پیشرفته همچون یک ارتش مینیاتوری در مرحله گسترش بحران سوریه حاضر شده و به ارائه خدمات تهاجمی در ۵ حوزه شامل مبارزه مستقیم در کنار نیروهای دولتی سوریه، پشتیبانی نظامی از نیروهای بشار اسد در میدان جنگ، فعالیت در حوزه جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی از طریق همکاری با تشکیلات منظم و نیروهای نظامی عادی و همچنین حفاظت از منابع انرژی و زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی سوریه

و آموزش نیروهای نظامی محلی متحد با دولت بشار اسد مشغول شد. این نقش آفرینی واگنر موجب تقویت و برتری دولت بشار اسد در حوزه نظامی در میدان نبرد و تغییر فضا و شرایط نبرد به نفع دولت مستقر سوریه شد که این امر در راستای تأمین اهداف روسیه در سوریه انجام شد. بررسی مزایای ایجاد شده از سوی شرکت‌های نظامی و امنیتی برای روسیه نشان می‌دهد که شرکت‌های روسی همان مزایایی را برای دولت روسیه موجب می‌شوند که سایر کشورها از جمله ایالات متحده، با استفاده از شرکت‌های نظامی و امنیتی امریکایی، از آن مزایا بهره‌مند می‌شوند. روسیه با استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی در هزینه‌های جنگ صرفه‌جویی کرده است. همچنین با به‌کارگیری این نیروها به‌عنوان نیروهای نیروافزا، توانایی، مهارت و تخصص نیروهای رسمی و دولتی را افزایش می‌دهد. افزون بر این مزایا، به‌کارگیری این شرکت‌ها، انکار قابل قبولی برای اقدامات خارج از قوانین دولت سوریه فراهم می‌کند - اگرچه این مورد ممکن است با گذشت زمان کمتر صادق باشد؛ چراکه، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها اکنون هرکجا که واگنر حضور دارد، به دنبال واگنر هستند. در بین این موارد، شاید مهم‌تر از همه برای پوتین این باشد که پیمانکاران خصوصی با تسهیل مداخله نظامی روسیه، به دولت اجازه می‌دهند در خارج از کشور دست به اقدام نظامی بزنند؛ در عین حالی که از تلفات سربازان عادی و واکنش افکار عمومی جلوگیری کند.

این شرکت‌ها علاوه بر تسهیل حضور نظامی روسیه در سوریه و کمک به دستیابی آن به اهداف خود، با افزایش خشونت در بحران که تعداد کشته‌شدگان این شرکت گواهی بر این مدعاست؛ افزایش عدم تعانس و تقویت نیروهای حامی بشار اسد در مواجهه با مخالفان؛ همچنین افزایش نظامی‌گری در بحران از طریق به‌کارگیری تسلیحات نظامی و انجام عملیات‌های خشونت بار نظامی و همچنین افزایش تعداد کنشگران تأثیرگذار بر بحران، موجب تشدید و پیچیدگی بحران سوریه شدند.

فهرست منابع

- برچر، مایکل (۱۳۸۲). "بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها" (جلد اول)، ترجمه فردین قریشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران
- برچر، مایکل (۱۳۸۲). "بحران در سیاست جهان: یافته‌ها و مطالعات موردی" (جلد دوم)، ترجمه حیدرعلی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران
- میرکوشش، امیرهوشنگ، نوکنده، بهادر و سیدحسین، بابایی پهنه‌کلایی (زمستان ۱۳۹۷). "نقش آمریکا در بحران سوریه با تأکید بر مدل مدیریت بحران مایکل برچر"، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۷، صص ۷۶-۴۹
- واعظی، محمود (پاییز ۱۳۸۹). نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۴۲-۷
- Afridi, M. K., & Jibran, A. (2018). Russian Response to Syrian Crisis. **Strategic Studies**, 38(2), 56-70. Bristow, 2019
- Brecher, M (2017). Arab-Israel Perceptions. **Dynamics of the Arab-Israel Conflict: Past and Present: Intellectual Odyssey II**, 35-42.
- Christiansen, S. K. (2010). **Private military and Security Companies and the lack of national legislation** *Hired help or the way to the future*, Aalborg University.
- Feinberg, P. (2020). **The Fluctuating Relationship Between Russia And The WAGNER GROUP** (Doctoral dissertation, Johns Hopkins University).
- Gülşen, Halit (2017). The Role of Private Military Companies in Russia's Intervention in Syria, **Orsam Review of Regional Affairs (ORSAM)**, No.64
- Harper, T. (2023). **War, Decisions, и Деньги: Analyzing Private Military Companies in American and Russian Contexts**, University Honors Theses.
- <https://parsi.euronews.com/2018/03/15/syrian-civil-war-7th-anniversary-chronology>
- Kjelstrup, C. (2011). **NATO and Private Military Contractors: Different approaches, and challenges to internal cohesion and solidarity** (Master's thesis). University of OSLO
- Liu, F. (2022). Russia's Foreign Policy Over the Past Three Decades: Change and Continuity. **Chinese Journal of Slavic Studies**, 2(1), 86-99.
- Mavruk, Ç., & Ali, G. Ö. K. (2023). Armies of War Without Uniforms: Mercenaries and Private Military Companies in Russia's Interventions in Syria and Ukraine. **Journal of Economics and Administrative Sciences**, 24(2), 292-301
- Neethling, T. (2023). Russian Para-Military Operations in Africa: The Wagner Group as a De Facto Foreign Policy Instrument. **Scientia Militaria: South African Journal of Military Studies**, 51(1), 1-23.
- Østensen, Å. G., & Bukkvoll, T. (2018). Russian use of private military and security companies-the implications for European and Norwegian Security. **FFI-report**.
- Popescu, N. and Secieru, S. (2018) Russia's Return to the Middle East Building Sandcastles? **EU Institute for Security Studies**, Paris
- https://www.iss.europa.eu/sites/default/files/EUISSFiles/CP_146.pdf
- Port, J. M. (2021). **State or Nonstate: The Wagner Group's Role in Contemporary Intrastate Conflicts Worldwide** (Doctoral dissertation, The University of North Carolina at Chapel Hill).

- Reynolds, N. (2019). **Putin's Not-so-secret Mercenaries: Patronage, Geopolitics, and the Wagner Group** (Vol. 8). Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace
- Rondeaux, C. (2019). **Decoding the Wagner group: Analyzing the role of private military security contractors in Russian proxy warfare**. Washington, DC: New America.
- Spearin, C. R. (2018). Russia's Military and Security Privatization. **The US Army War College Quarterly: Parameters**, 48(2), 6.
- Sukhankin, S. (2018). 'Continuing war by other means': The case of Wagner, Russia's premier private military company in the Middle East. **Russia in the Middle East**, 290-319.
- Sukhankin, S. (2018). War, Business and 'Hybrid' Warfare: The Case of the Wagner Private Military Company (Part One). **Eurasia Daily Monitor**, 15(60).
- Sukhankin, S. (2019). Russian pmcs in the Syrian civil war: from Slavonic Corps to Wagner Group and beyond. **Jamestown Foundation**"[online], 18.
- Sukhankin, S., & Hurska, A. (2021). Russia's Private Military Contractors: Cause for Worry?. **Canadian Military Journal**, Vol. 21, No. 2
- Turzi, M. (2019). **The effects of Private Military and Security Companies on local populations in Afghanistan. A case-study based analysis on the impact of the large presence of private firms on Afghans**. Pisa: Pacini Editore Srl.
- Volkenburg, C. A. (2018). **Russian hybrid warfare in Syria: Airforce, private military contractors and dis-information**. Canadian forces college.
- Wither, James K, (2020). **The Challenge of Russia,s Private Military & Security Companies**, marshallcenter, 56-61.
- Wójtowicz, T., Barsznica, I., & Drąg, K. (2018). The influence of Russian military involvement in the war in Syria. **Zeszyty Naukowe Akademii Sztuki Wojennej**, (2 (111), 85-99.

